

## نگاهی ژرف بر پروسهٔ قانون سازی و پالیسی قانون احوال شخصیه اهل تشیع



## در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل تحقیقاتی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت در عرصه های مختلف جهت اطلاع رسانی و استفاده از آنها در تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تقویت و ارتقا ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت برای تفکر و بحث، میکوشد تا فعالانه فرهنگ پژوهش و آموزش را در این کشور ترویج دهد. این اداره سعی مینماید تا زمینه های بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی را فراهم سازد که باعث بهبود و پیشرفت فکری در ابعاد مختلف در زندگی افغانها میگردد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۱۳۸۱ خورشیدی با همکاری سازمان های امدادی که در این کشور فعالیت دارند تأسیس گردیده و اعضای هیئت مدیره آنرا نماینده گان مراجع تمویل کننده، سازمان ملل متحد، ادارات غیر دولتی و دیگر نهاد های که در امور مختلف در افغانستان مصروف فعالیت اند، تشکیل میدهد. این اداره، در حال حاضر، عمدتاً از جانب کشورهای فنلند، ناروی، سویدن، سویس، و انگلستان تمویل مالی گردیده و موسساتی مثل انستیتوت جامعه باز افغانستان (FOSIA)، بنیاد آسیایی (TAF)، کمیسیون اروپا (EC)، کمشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، صندوق وجهی ملل متحد برای کودکان (UNICEF)، صندوق انکشافی ملل متحد برای زنان (UNIFEM)، و بانک جهانی نیز بعضی از پروژه های مشخص این اداره را حمایت مالی می نمایند.

## مقدمه

از سال ۱۳۸۶ بدینسو، لایحهٔ از طریق پارلمان افغانستان خاموشانه راه خود را می پیموده که از این جریان هیچگاهی به رسانه های کشور خبر داده نشد تا اینکه در ماه حمل سال ۱۳۸۸ خورشیدی، رئیس جمهور کزری این قانون را توشیح نمود. در آن مقطع، خبر این قانون به رهبران دول تمویل کننده افغانستان که برای دولت سازی در افغانستان تلاش داشتند رسید. این زمانی بود که رهبران متذکره برای اشتراک در کنفرانس گروه بیست (که گروهی متشکل از وزرای مالیه و مسؤلان بانک های مرکزی بیست اقتصاد مطرح دنیا) در لندن گرد هم آمده بودند. از مجموع ۲۴۹ ماده این قانون چند ماده آن که دربرگیرنده محدودیت ها بالای حقوق زنان شیعه میگردد توجه رسانه های بین المللی را نیز به خود جلب نمود، که فوراً توسط ژورنالیستان غربی به عنوان "قانون تجاوز جنسی" نامیده شد. این مسئله بطور گسترده ی در رسانه های بین المللی پخش گردید و واکنش داغ برخی از سهامداران را بر انگیخت. این مطالعه در صدد بررسی بُعد دیگری این موضوع می باشد و چگونگی پروسه تبدیلی قانون احوال شخصیه اهل تشیع به یک قانون را، از مرحله آغازین الی زمانیکه قانون متذکره تحت بازنگری وزارت عدلیه افغانستان قرار گرفت، مورد بررسی قرار میدهد.<sup>۱</sup> هدف از اجرای تحقیق بالای پروسه مذکور دانستن اینست که این روند در مورد قانون سازی در افغانستان بعد از معاهده بن فرهنگ سیاسی، تجربه، و ظرفیت موجود برای قانون سازی در این زمینه، که با ملاحظه اعضای پارلمان، جامعه مدنی، رسانه های ملی و جامعه بین المللی، در افغانستان تجربه شده است چه گفتنی ها دارد. نقش هر یک از این گروه ها در یافته های این مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفته شده است. این مطالعه قانون احوال شخصیه اهل تشیع را به گونه پروسه پالیسی سازی با تمرکز بیشتر روی معلومات داده شده سهامداران عمده که در این پروسه شامل بوده اند؛ حساسیت ها و اختلافات میان آنها؛ و تأثیر گذاری این نظریات و اختلافات را روی پروسه قانونگذاری، ژرفنگری مینماید. مطالعه مذکور که در قبال پروسه احوال شخصیه اهل تشیع جریان داشته، بخشی از سلسله مطالعات ایست که پروسه های پالیسی سازی را در افغانستان بعد از بن بررسی می کنند و توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اجراء میگردد. مطالعات "پروسه های پالیسی سازی" واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان جهت آگاهی دهی در مورد معنی پالیسی؛ پروسه که با طی مراحل آن پالیسی ساخته میشود؛ موضوعات ذیعلقه آن، و مباحث و شیوه های که باعث ساختار پالیسی میگردد، در صدد دانستن ماهیت و دینامیک و پیشرفت پالیسی سازی در افغانستان است. فهم بهتر از چگونگی پالیسی سازی،<sup>۲</sup> انتهای کار نبوده بلکه گام بسیار مهم و ارزنده ی در سهم گیری در روند توسعه ی موارد، شامل پالیسی و عملکرد های پالیسی سازی، و بالاخره، سهم متوقعه در روند آموزش، بهبود عملکرد و اعمال تغییرات در این پروسه ها میگردد.

## روش شناسی

این تحقیق به سوالات تحقیقی ذیل پاسخ می دهد:

- کدام عوامل محرک در قبال آغاز پروسه تسوید و تصویب عاجل این قانون از جانب دفتر رئیس جمهور می باشد؟
- روند مشخصی که اولین گام پروسه تسوید و تصویب قانون مذکور بواسطه آن آغاز گردید چه بود و چگونه در چهارچوب حاکمیت قانون و توسعه طرزالعمل های حکومتداری و قانون سازی در دولت جدید افغانستان مناسب می باشد؟

<sup>۱</sup> در ۱۶ سرطان ۱۳۸۸ روزنامه افغانستان تایمز گزارش داد که وزارت عدلیه افغانستان احوال شخصیه اهل تشیع را بازنگری نموده و بر علاوه اینکه ۱۲ ماده آنرا حذف نموده، اصلاحات دیگری نیز به آن وارد نموده و قانون اصلاح شده توسط شورای وزیران کشور به تصویب رسید. در ۱۸ سرطان جامعه مدنی مشترکاً نامه سرگشاده ی را به دفتر رئیس جمهور فرستاد که در آن از ابهام در تغییرات وارد، و اینکه بسیاری از پیشنهادات آنها در این قانون مد نظر گرفته نشده بود، صحبت کرده بودند. با اینحال رئیس جمهور نسخه اصلاح شده قانون مذکور را تصویب نموده و این قانون بتاريخ ۵ اسد ۱۳۸۸ در فرامین جدید دولت نشر گردید و موثرانه منجیح یک قانون قابل اجرا گردید. این گزارش، مشخصاً بالای مدت زمانی از نخستین مرحله آغاز ساختار این قانون تا اینکه برای بار اول توسط وزارت عدلیه افغانستان تحت بازنگری قرار گرفت؛ و متعاقباً بحث های را که در واکنش به تصویب ابتدایی آن بروز نمود مورد تأکید قرار می دهد.

<sup>۲</sup> شرح وسیع از پالیسی فرض گردیده است، ممکن به گونه مجموعه از اراده ها و عملکرد های حاصله (از طریق انکشاف ستراتژیک، منابع، تطبیق وغیره) به نفع جامعه تشریح گردد. پروسه پالیسی وسیله ایست که توسط آن پالیسی درک، بحث، اظهار و تشکیل می گردد و طرزالعمل های تطبیق و عمل می باشد.

- جامعه مدنی افغانستان در مراحل مختلف انکشاف این قانون و تصویب آن چه نقشی داشته است؟
- تاثیر عکس العمل رهبران بین المللی و رسانه های خارجی در مورد این قانون چه بود؟

معلوماتی که در این مطالعه تحلیل گردیده اند از مصاحبه های انفرادی، نیمه ساختاری با ۵۱ پاسخ دهنده گرفته شده است. این مصاحبه ها بیشتر در ماه جوزا و سرطان سال ۱۳۸۸ در کابل صورت گرفت و از اینرو اگرچه پروسه احوال شخصیه اهل تشیع در زمان نوشتن این نشریه به تحول ادامه می دهد، معلومات مذکور اساساً بالای واقعات همان زمان تمرکز می نماید. در این مطالعه از بحث گروهی با تنظیم کننده گان مظاهره علیه احوال شخصیه در ثور سال ۱۳۸۸ نیز معلومات جمع آوری گردیده است. مصاحبه ها شامل نه عضو پارلمان (پنج زن و چهار مرد؛ که هشت نفر آن از اهل تشیع بودند) هشت شخصیت علمی از اهل تشیع افغانستان؛ ۱۷ نماینده از جامعه مدنی وابسته به موسسات اصلاحات حقوقی زنان و حقوق بشر؛ شش نماینده جامعه بین المللی (بشمول دو اداره سازمان ملل متحد)؛ پنج زن شیعه مذهب که در ثور ۱۳۸۸ مظاهره ای را تنظیم نمودند؛ دو نماینده از رسانه های مستقل ملی در کشور؛ یک نماینده از وزارت عدلیه، و یک قاضی از ستره محکمه بودند.<sup>۳</sup> مطالعه مذکور پوشش رسانه های افغان و بین المللی در مورد این قانون؛ مذاکرات پارلمانی، اسناد دولت در این زمینه و مشاهدات جلسه هماهنگی میان جامعه بین المللی و جامعه مدنی افغان در رابطه با احوال شخصیه اهل تشیع را نیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است.

## پس منظر: شرح روند احوال شخصیه شیعه ها

قانون اساسی سال ۱۳۸۳ افغانستان برای بار اول مذهب تشیع را با ارائه این حق که آنها میتوانند از فقه تشیع در امور مربوط به احوال شخصیه خودشان استفاده کنند، به رسمیت شناخت. قبلاً در افغانستان هیچ گونه اسناد قانونی فقه را بر اساس مذهب متمایز ننموده است و بسیاری از پاسخ دهنده گان اظهار نمودند که جامعه هزاره و شیعه در افغانستان از دیر زمانی تقاضای تسوید و تصویب قانون احوال شخصیه شیعه ها را داشتند.<sup>۴</sup> ماده ۱۳۱ فصل هفتم قانون اساسی بیان می دارد که:

محاکم، در قضایای مربوط به احوال شخصیه اهل تشیع، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

در سایر دعاوی در صورتیکه در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام قانون این مذهب حل و فصل می نماید.

زمانیکه کمیتهء تسوید قانون اساسی فعال بود، رهبران سیاسی جامعه شیعیان برای این ماده تبلیغ نمودند. بالاخره تلاش ها توسط محمد آصف محسنی<sup>۵</sup>، عالم اهل تشیع رهبری گردید. آصف محسنی در ایران تحصیل نموده و زمانی رهبر حزب مسلح "مقاومت" اهل تشیع بود که بعداً به حزب سیاسی تحت عنوان "حرکت اسلامی" مبدل گردید. این ماده چنین تعبیر گردید که قانون احوال شخصیهء مستقلی برای مردم شیعه تسوید گردد، اما این مشخص نگردید که این قانون باید مبتنی بر اساسات کدام مکتب اهل تشیع که قوانین اهل تشیع از آنها مشتق شده میتوانند، گرفته شود.

در حالیکه گزارشات مشخص در تضاد اند، از گفته های پاسخ دهنده گان چنین استنباط می گردد که اولاً قانون مذکور در زمانی میان سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ توسط اعضای شورای علمای شیعیان تحت رهبری محسنی، ظاهراً بدون کدام دستور رسمی از جانب

۳ بنابر نگرانی های شدید در مورد این موضوع اسامی پاسخ دهنده گان انفرادی در این گزارش ذکر نگردیده اند. جهت مصاحبه پاسخ دهنده گان با دیدگاه های متفاوت هر نواقدام صورت گرفت، هرچند تمام اعضای پارلمان که در تلاش شامل سازی آنها در این مصاحبه بودیم به درخواست ما پاسخ ندادند و ما نتوانستیم با پاسخ دهنده گان از وزارت عدلیه مصاحبه کنیم.

۴ اکثریت نفوس شیعه مذهب افغانستان از لحاظ قومیت هزاره می باشند.

۵ بعضی اوقات بنام آیت الله محمد آصف محسنی یا شیخ محمد آصف محسنی نیز یاد می گردد.

دولت تسوید گردیده بود. بسیاری از پاسخ دهنده گان اشاره نمودند که تسوید کننده گان این قانون علمای افغان در مشهد ایران بوده اند که از یک منبع واحد فقه تحت عنوان "تحریر الوسیله" نوشته آیت الله خمینی رهبر اسبق ایرانیان در مورد فقه اسلامی می باشد که دو جلد دارد بیشتر استفاده نموده اند. بعداً محسنی پیشنویس قانون مذکور را به رئیس جمهور ارائه نمود که وی فرمانی را به وزارت عدلیه صادر نمود تا طی مراحل بعدی تسوید احوال شخصیه اهل تشیع را آغاز نمایند.

طبق گفته های پاسخ دهنده گان از جامعه مدنی و اعضای پارلمان، زمانیکه این قانون نزد ولسی جرگه آمد، عبدالرب رسول سیاف، عضو پارلمان، پیشنهاد نمود تا این قانون به شکل مجموعی تصویب گردد نه اینکه مطابق طرز العمل معمول، هر ماده آن بطور جداگانه مرور گردد. سیاف از این پیشنهاد حمایت نمود، تا اینکه این قانون در مقایسه با قانون اهل تسنن بازنگری گردید و ماده های عمده ی متناقض در آن، حذف گردید. این ماده ها شامل متعه (ازدواج مؤقت یا صیغه)، و حق ازدواج با دو زن از یک خانواده (به طور مثال ازدواج با عمه و برادر زاده وی) می شود. متعاقباً قانون مذکور از مجموع ۷۰۰ ماده به ۲۴۹ ماده تقلیل یافت.

زمانیکه قانون احوال شخصیه اهل تشیع به پارلمان راه یافت، نسبت پوشش کم رنگ رسانه ها و تشویق کم اندک مردم برای شرکت در گفتمان ملی، سهم مردم در تسوید و تصویب این قانون خیلی کم بود. اعضای جامعه مدنی، اساساً و عمدتاً از آنها یکبار در مورد محتویات این قانون نگرانی داشتند نماینده گی می کردند. نقش آنان در تحریک مباحثه و تاثیر این روند از خارج از پارلمان، چشمگیر بود. قبل از رای دهی برای این قانون، که اصلاً سال ۱۳۸۸ تعیین گردیده بود، موسسات جامعه مدنی بواسطه اعضای حامی آنها در پارلمان در مورد این قانون اطلاع یافتند و نسخه آنرا بدست آوردند. آنها در جبهات متعددی بیسج گردیدند تا نگرانی های شانرا در مورد بعضی از محتویات احوال شخصیه اظهار نمایند و اصلاحات مشخصی را پیشنهاد نمایند. این کار هم در نهاد شیعه مانند انستیتیوت تحصیلات عالی کاتب و لیسه عالی معرفت در غرب کابل رخ داد و همچنان در ادارات زنان<sup>۶</sup> و گروه های دیگر عدالت اجتماعی صورت گرفت. بعداً زنان تحصیل کرده شیعه که مربوط به کدام نهاد مشخص نبودند به آنها پیوستند. آنها با رئیس پارلمان، شورای علمای اهل تشیع و اعضای پارلمان از اهل تشیع و تسنن ملاقات نمودند. آنها اظهار نمودند که چند تن از اعضای اهل تشیع پارلمان حامی تلاش های شان نبوده و روی همرفته اکثریت اعضای پارلمان که از اهل تسنن بودند در این روند دخیل نبودند.

نگرانی های عمده جامعه مدنی ناشی از ماده هایی است که تبعیض علیه زنان بوده آزادی و تحرک آنها را مقید ساخته و می خواهد که آنها از شوهران شان پیروی کنند، تعهد مسایل جنسی زنان برای شوهران شان، سن ازدواج برای دختران (در پیشنویس اصلی نه سالگی ذکر گردیده) و سن اطفال زمانیکه از مادر به پدر سپرده می شوند.<sup>۷</sup> نگرانی های دیگری نیز بحث گردیدند، طور مثال در یکی از ماده ها راجع به زن پنجم، اجازه استفاده از متعه (ازدواج موقت یا صیغه، حتی برای چند ساعت) و مسایل دیگر. موسسات جامعه مدنی با اعضای متحد پارلمان موفق شدند تا زمان رای دهی به این قانون را به تاخیر اندازند که مطابق به تقسیم اوقات پارلمان زمانیکه آنها به تفصیل قانون را مرور نمودند و اصلاحات را از دیگر منابع فقه شیعه تحقیق نمودند باید در حوت ۱۳۸۶ صورت می گرفت.

در جریان این تاخیر، کمیسیون مستقل حقوق بشر و موسسات جامعه مدنی با انستیتیوت تحصیلات عالی کاتب کار نموده و سیمینار سه روزه را جهت مرور و اصلاح این قانون برگزار نمود.<sup>۸</sup> آنها علمای مذهبی و همچنان متخصصین حقوق مدنی<sup>۹</sup> را از شهر قم ایران دعوت نمود، که از معلومات ارائه شده آنها تسوید قانون مذکور در سیمینار صورت گرفت. یک کارمند کمیسیون مستقل حقوق

۶ طور مثال، مرکز تعلیماتی زنان افغان، اداره کمک های بشری برای زنان و اطفال افغانستان و دیگران.

۷ در قانون شرعیت مذهب حنفی، سرپرستی اطفال در صورت طلاق طوری ترتیب یافته است که مادر می تواند سرپرستی اطفال را در خورسالگی آنها بعهده گرفته می تواند قبل از اینکه سرپرستی به پدر واگذار گردد. سن دقیق واگذاری اطفال نظر به فقه مختلف، تفاوت می کند.

۸ یک موسسه بعد از دوره ثانوی ایست که اخیراً توسط شیعه های مترقی که دارای تحصیلات عالی مذهبی و دینی می باشند تاسیس گردیده است.

۹ چند تن از علمای مذهبی افغان در ایران و همچنان علمای مذهبی ایران آیت الله دیوس و یک متخصص قانون مدنی ایران داکتر حکمتیا در این سیمینار شرکت نموده بودند.

بشر سیمینار را چنین تشریح نمود:

ما معلومات بدست آوردیم که محسنی قانون مذکور را با شاگردانش که در مشهد بودند تسوید نمود زیرا که آنها با ایران روابط خوب دارند. لذا ما می خواستیم تا دانش علمای شیعه مذهب ایران را خود بشنویم. آنها بعضی از علمای افغان را نیز از ایران دعوت نمودند. سیمینار خیلی دلچسپ بود. بعضی افراد پارلمان، علمای اهل تشیع از شورای علمای اهل تشیع نیز در آن حضور داشتند. بلاخره آنها تصمیم گرفتند که این قانون دارای نقایص زیادی است. آنها تغییرات زیادی در آن وارد کردند. بعد از آن ما پیشنویس جدیدی داشتیم، بسیاری از تغییرات در مورد ازدواج، سن ازدواج، ازدواج اطفال، حق مهر بود و تغییرات زیادی پیشنهاد گردید.<sup>۱۰</sup>

در حالیکه این پیشنهادات از جانب طرفداران محسنی در پارلمان رد گردید، طبق گفته های اعضای پارلمان گروه های جامعه مدنی با اعضای متحد پارلمان موفق گردیدند تا چهار ماده را تغییر دهند. تغییرات مذکور شامل بلند بردن سن ازدواج به ۱۶ سالگی برای دختران و ۱۸ سالگی برای پسران، بلند بردن سن پسران از دو به هفت سالگی و از دختران از هفت به نه سالگی زمانیکه سرپرستی را پدر به عهده گیرد، و آوردن بعضی از شرایط در قسمت ماده که زنان باید قبل از خارج شدن از منزل باید اجازه شوهران شانرا بدست آرند. در حالیکه بیشتر این پیشنویس بدون تغییر باقی ماند، این تغییرات چشمگیر بود و بعضی از ماده های تبعیض آمیز قانون از آن حذف گردید.

در اوایل نامه ای که توسط موسسات جامعه مدنی به امضا رسیده بود به دفتر رئیس جمهور فرستاده شد و خواهان اصلاحات در قانون گردید، اما درخواست آنها ظاهراً رد گردید، و در ۱۸ حوت ۱۳۸۷ بار دیگر نگرانی ها در مورد این قانون در یک ملاقات با رئیس جمهور ابراز گردید.<sup>۱۱</sup> طبق گزارشات، موسسات که خواهان اصلاحات به این قانون بودند تصمیم گرفتند که اگر تلاش های آنها در ولسی جرگه موفق نگردد، پس تلاش های تبلیغاتی شانرا به مشرانو جرگه می برند. مشرانو جرگه ظاهراً قانون را بعد از مرور توسط ستره محکمه که به آن تغییراتی نیاورده بود به رئیس جمهور برای امضا نمودن فرستاد. در حمل ۱۳۸۸ ۱۵ روز باقی مانده بود تا رئیس جمهور قبل از اینکه قانون خود بخود جبری گردد آنرا امضا کند که جامعه مدنی به رسانه ها مراجعه نمودند. فکر کردند این چاره اخیر بود، هرچند رئیس جمهور کرسی را نظر به محکومیت سریع بین المللی که به تعقیب آن بود مایوس کرد.

نسخه تغییر نیافته این قانون در دلو ۱۳۸۷ به پارلمان برگشته شد و یک رای دهی در ولسی جرگه صورت گرفت. اگر چه در مورد اینکه آیا رای دهی برای متن قانون صورت گرفته یا بالای پیشنهاد یک صفحه ای سیاف که سیستم قضایی جداگانه برای شیعه ها نباید باشد، در میان اعضای پارلمان تردید قابل ملاحظه وجود داشت. بعد از آن تایید گردید که پارلمان به این قانون تا یک اندازه ای یا بطور کلی رای ندادند،<sup>۱۲</sup> در عوض ولسی جرگه اعلامیه را نشر نمود که قرار ذیل است:

در شنبه مورخ ۱۱ دلو ۱۳۸۷ ولسی جرگه قانون امور شخصی اهل تشیع را تصویب کرد و قرار ذیل است:

با موافقت کمیته علما از اهل تشیع و تسنن در قسمت حذف بعضی از ماده ها و مطابق ماده ۱۳۱ قانون اساسی، ستره محکمه باید راه را برای تطبیق قانون احوال شخصیه اهل تشیع که شامل ۲۴۹ ماده می باشد باز کند. تطبیق قانون مذکور به کدام محکمه یا قاضی جداگانه نیاز ندارد.<sup>۱۳</sup>

اعلامیه مذکور در مشرانو جرگه مورد بحث قرار نگرفت، اما رهبران احزاب ظاهراً بدون آگاهی نماینده گان دیگر آنرا تصویب نمودند، بسیاری از نماینده گان از قانون مذکور تا دیر زمانی آگاهی نداشتند. یک ناظر این امر را متقلب خواند و ملاحظه نمود که جمله

۱۰ مصاحبه نویسنده، ۱۰ جون ۲۰۰۹.

۱۱ مصاحبه نویسنده، کابل ۱۷ جون ۲۰۰۹.

۱۲ خلاصه جلسه قانونگذاری در پروژه حمایت به پارلمان افغانستان، جون ۲۰۰۹.

۱۳ قسمیکه در خلاصه جلسه قانونگذاری پروژه حمایت به پارلمان افغانستان ترجمه شده، جون ۲۰۰۹.

بندی اعلامیه مذکور طوری صورت گرفته تا وانمود گردد که تصویب گردیده است درحالیکه تصویب نگردیده بود.<sup>۱۴</sup> چنین به نظر خواهد رسید که هدف اعلامیه مذکور منجیت یک سند مشورتی به ستره محکمه کار کند تا تطبیق اصول این قانون در محاکم آغاز گردد، با وجود اینکه پارلمان بطور واقعی به این قانون رای نداده است و استفاده از اعلامیه کوتاه به جای یک قانون تصویب شده نیز سابقه ای نداشته است. و از آنجا ستره محکمه قانون مذکور را به دفتر رئیس جمهور فرستاد، که ظاهراً با مشورت یک یا چند مشاور رئیس جمهور کرسی آنرا امضا نمود.

## یافته های عمده

یافته های این مطالعه تعدادی از بی نظمی های مهم را در طرزالعمل قانون احوال شخصیه اهل تشیع ظاهر نمود. منجیت یک قانون که از ارزش های مذهبی گرفته شده است، گروه های مختلف در میان مذهب شیعه از اینکه چه مواردی در محتویات این قانون شامل گردد توقعات مختلف داشتند. شخصیت های کلیدی که در قسمت اثرگذاری بالای قانون احوال شخصیه اهل تشیع علاقمندی دارند در تلاش بودند تا اجندای مذکور را تصرف نموده و سفرش را از طریق شبکه های پارلمانی کنترل نماید، بدین معنی که پروسه مذکور فاقد شفافیت بود. توانایی آنها جهت انجام چنین کاری ناشی از متحدین در قدرت بود نه در ارتباط به نقش آنها منجیت اعضای پارلمان یا اعضای احزاب سیاسی بلکه اغلباً وابسته به مبارزین منحل شده یا هم احزاب مبنی بر قومیت می باشد. استراتژی های سیاسی دی فکتو (عملی) بعضی از آسیب پذیری های مهم را در سیستم قانونگذاری نشان می دهد؛ عملکرد قانون سازی در این قسمت توسط گروه های ذینفع واژگون گردید تا خارج از طرزالعمل معمول خاتمه یابد. کسانی که مسوولت ارزیابی این پروسه را به عهده داشتند (مانند رئیس پارلمان و سکرتر پارلمان) موفق به کاهش دادن بی نظمی ها در قسمت عملکرد نگردیدند و این موضوع نشانگر نفوذی است که گروه های ذینفع در سیاست پارلمان دارند.

مثال های انحراف تخنیکی در روندیکه ایجاد قانون احوال شخصیه را مشخص ساخت شامل این موضوع می شود که قانون مذکور خارج از نهاد های دولت توسط افرادی تسویدگردیده بود که تخصص قانونی و شرعی نداشتند،<sup>۱۵</sup> معمولاً قانون باید توسط وزارت که بیشتر مربوط به محتویات آن می شود تسویدگردد. بعضی ها به این عقیده بودند که وزارت عدلیه فقط طرزالعمل را مورد تصویب قرار داد که قبلاً توسط گروه ذینفع از روحانیون محافظه کار اهل تشیع در جریان بود. پاسخ دهنده گان اجتماع علمی عدم تخصص قانون سازی ملا های را که در پیشنویس این قانون کار نموده بودند مورد انتقاد قرار می دهد، و سه مشکل چشمگیر را برجسته می سازند که عبارت اند از عدم اصطلاحات مناسب قانونی، ساختار و نظم ماده ها، و ناسازگاری محتویات آن با قانون اساسی، قانون بین المللی حقوق بشر و دیگر منابع فقه تشیع می باشد.

ضعف مهم دیگر در این روند ناکامی رئیس پارلمان یونس قانونی در راستای ضعیف نمودن اختلافات بارز در این روند می باشد مانند عدم رای دهی مناسب.<sup>۱۶</sup> روی همرفته، تلاش از جانب اکثریت ولسی جرگه موجود نبود و از روی انتقاد رای دهی به هر ماده ناموفق بود. در میان اعضای پارلمان در راستای عمق این بحث ها توضیحات متفاوتی وجود داشت. بسیاری ها گفتند که بحث اندکی صورت گرفته بود و زمانیکه کدام بحث صورت می گرفت، شخصیت های بانفوذ مجاهدین که می خواستند قانون مذکور بدون تغییر باقی بماند بالای آن حکمفرما می گردید. اگرچه، ممکن اختلاف چشمگیر در این روند در داخل پارلمان تصمیم گرفتن در مورد استفاده از اعلامیه با جملات گسترده بود که به محاکم مشورت دهد تا ماده های قانونی را تطبیق کنند، به جای قانون که به آن رای دهی صورت گرفت و در پارلمان بطور کلی بحث گردید. در میان اعضای پارلمان در مورد هدف این اعلامیه تردید

۱۴ مصاحبه نویسنده در تلیفون، ۲۹

۱۵ پاسخ دهنده گان اطلاع دادند که این قانون توسط دو عالم مذهبی افغان و یک عالم ایرانی در مشهد یا توسط اعضای شورای ملا های شیعه تحت رهبری محسنی تسوید گردیده بود.

۱۶ باید مد نظر گرفت که یونس قانونی با حسین عالمی بلخی بیشتر متحد گردیده بعد از اینکه در انتخابات سال ۱۳۸۳ با قانونی در حزب اش بنام افغانستان جدید منجیت معاون اش به رقابت پرداخت. اکنون که آقای بلخی یک عضو مستقل پارلمان می باشد در قسمت حمایت نمودن محسنی در مورد قانون احوال شخصیه اهل تشیع همچنان در دیگر نقش بارزی داشته است.

قابل ملاحظه وجود داشت. بعضی از اعضای پارلمان بدین باور بودند که آنها بالای این قانون رای دادند، بعضی هم بدین باور بودند که آنها فقط برای اعلامیه که برای اداره قانون احوال شخصیه اهل تشیع کدام محکمه جداگانه وجود نخواهد داشت رای دادند، و بعضی ها بخاطر نیاوردند که برای چیزی رای داده باشند. یک عضو پارلمان یاد آور شد که "بسیاری مردم به این قانون رای دادند بدون اینکه بدانند این آخرین موقع رای دهی برای این قانون می باشد."<sup>۱۷</sup>

یک موضوع آشکار است که بعضی از مردم در پارلمان انتخاب نمودند تا کمک نمایند که این قانون از طرز العمل معمول تسوید کنار رود، ممکن بنا به درخواست نویسنده گان اصلی این قانون، یا اینکه بی دخل بودند یا هم شاید در بعضی از موارد خیلی ترسیده بودند تا عدم روند لازمی را مورد سوال قرار دهند. با وجود پیشرفت قابل ملاحظه در ظرفیت پارلمان طی چهار سال گذشته، توانایی کنار گذاشتن گام های اساسی طرز العمل قانون سازی نشان می دهد که خلا های مهم بالای مشروعیت این سیستم تاثیرات زیان آور دارند. قسمیکه یک ناظر خارجی پارلمان یاد آور شد که ما دارای پارلمانی هستیم که منتخب گردیده است، اما گاهی ما می توانیم معاملات مخفی را بدون اینکه پارلمان را در آن دخیل سازیم نزد کرزی ببریم تا آنرا امضا کند.<sup>۱۸</sup>

چنین به نظر می رسد که توانایی اداره نمودن سیستم مذکور در میان کسانی که به شبکه های واسطه و حمایت و شبکه های که از ارتباطات قومی و رزمی فعال شده می توانند نه از ارتباطات ایدئولوژیک حامی یا فرامین سیاسی که به مردم التماس می کند، بیشتر پرورش یافته می توانند. اگرچه با وجود میدان متغیر بازی، چالش ها و نظریات رقابت کننده در قسمت مالکیت قانون احوال شخصیه اهل تشیع بلاخره منجر به اختلاف چشمگیر در محتویات قانون مذکور و جهت بحث و مذاکره فعال در میان گروه های متعدد ذینفع گردید. در میان ازدیاد نظریات در مورد محتویات قانون احوال شخصیه اهل تشیع، بطور عموم در میان پاسخ دهنده گان اتفاق آرا وجود داشت که قانون مذکور یک انکشاف مثبت بوده که به اقلیت که در طول تاریخ محروم بودند و مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند حق و شناخت می دهد. تجربه ایجاد این قانون هر چند توجه گروه رقابت کننده را جلب نمود که در مورد اینکه چه چیز های در این قانون گنجانیده شود و یا چه کسی حق دارد تا برای اجتماع شیعیان در افغانستان حرف بزند نظریات متفاوت داشتند. برخورد ها و نظریات متفاوت در میان جامعه مدنی، نماینده گان روحانیون مانند آصف محسنی، فعالین علمی، زنان اهل تشیع و اعضای پارلمان بروز نمود. شمولیت مردم عامه بکلی از این پروسه مفقود بود، و قانون احوال شخصیه اهل تشیع واضحاً ارتباطات ضعیف میان پالیسی سازان و حوزه های انتخاباتی آنها، تاکید مداوم بالای قومیت، مذهب و فرقه به گونه بنیاد برای سازمان و متحدین سیاسی نه بالای صحنه حامی که در مورد موضوعات علاقتمندی عامه صحبت می کنند را آشکار نمود. کسانی که بیشتر توسط قانون احوال شخصیه اهل تشیع متاثر گردیدند زنان بودند که از این قانون و پروسه مرور پارلمان محروم بودند.

قانون احوال شخصیه اهل تشیع مشکلات شمولیت جامعه بین المللی را در چنین موارد برجسته ساخت، پاسخ دهنده گان جامعه مدنی نومید شدند آنچه را آنها مشخصه انفعال در بخش نهاد های اساسی مانند سازمان ملل متحد میدانستند و جامعه بین المللی در قسمت مداخلات در موضوعات فرهنگی خیلی محتاط بودند. زمانیکه جامعه بین المللی به تقاضا های محکوم نمودن ماده های تبعیض آمیز پاسخ دادند، وعده مرور قانون بزودی از جانب دولت صورت گرفت که تصویب جامعه مدنی و همچنان اتهامات را جمع آوری نمود که از مداخلات آن عده کسانی که می خواستند قانون احوال شخصیه اهل تشیع تغییر نخورد ببار آمد. در اخیر بسیاری مردم هنوز هم تاثیر واقعی واکنش افغانستان را در برابر مباحثه بین المللی و محلی مورد سوال قرار دادند، زمانیکه قانون تصحیح شده منتقدین پیشنویس اصلی را ناراض نمود و در وسط انتخابات اسد ۱۳۸۸ زمانیکه موقع برای بحث کامل و پوشش رسانه ای خیلی کم بود به چاپ رسید.

نظریات مختلف در قسمت محتویات ستیزه جوی این قانون و سر و صدا از جانب رهبران دول تمویل کننده و پالیسی آنها قانون احوال شخصیه اهل تشیع را به گونه یک پروسه در قانون سازی در بعضی موارد استثنایی ساخته است. در عین زمان، در مورد فرهنگ سیاسی در شرایط قانونی فعلی افغانستان و همچنان ضعف در طرز العمل تخنیکي قانون سازی معلومات ارائه می کند. قانون

۱۷ مصاحبه مولف، کابل، ۱۱ جون ۲۰۰۹

۱۸ مصاحبه مولف، کابل، ۲۹ جون ۲۰۰۹



های ستیزه جو آینده که از منابع مذهبی گرفته شده اند یا مخالف ارزش های اسلامی پنداشته میشوند نیز در معرض چنین ضعف ها قرار می گیرند. قانون احوال شخصیه اهل تشیع نیز ارتباط متحول را میان جامعه مدنی جدید که حقوق بشر و جندر موضوعات عمده اجندای شان است، روحانیون که برای داشتن صلاحیت بالای قانون سازی و شناخت در سیستم جدید سیاسی رقابت می کنند و متحدین سیاسی که از دوره مجاهدین منشأ دارند و برای شان سیاست حامی تا هنوز باید پایگاه دریا بد را روشن می سازد.

قانون احوال شخصیه اهل تشیع میراث پابرجای گذشته سیاسی افغانستان را روشن می سازد. این قانون قدرت مداوم شبکه های حمایتی و معاملات پس پرده سیاست افغانستان را و همچنان نقش های پیچیده شخصیت های مجاهدین را از زمان مقاوت در برابر روس ها مانند عبدالرب رسول سیاف و محمد آصف محسنی که براساس تابعیت خویش تسلط دارند نشان می دهد. در واقع قانون احوال شخصیه اهل تشیع چالش های جاری و مشخصات تلاش های دموکراسی سازی افغانستان را روشن می سازد و به مسایل چندین گانه انکشافی بیشتر ارتباط دارد. مصاحبه با پاسخ دهنده گان اغلباً منجر به بحث ها در مورد معارف، انکشاف رسانه ها، رهبری مذهبی، تقسیمات فرقه ای، و تقاضا برای یک جامعه آزاد و رهبری نماینده گی دخیل، در میان دیگر موضوعات می گردید. افغان های که در مصاحبه ها پاسخ دادند پروسه که از طریق آن قانون مذکور در طرز العمل قانونی راه یافت را نکوهش می نمودند و ضعف در فرهنگ سیاست را به موضوعات معارف، آگاهی قانونی و سواد ربط می دادند. بنابراین قانون مذکور در قسمت انکشاف وسیعتر و پروسه پالیسی که در دولت صورت می گیرد بصیرت می دهد با یک شناخت که هنوز هم توسط قوای متعدد رقابت کننده شکل داده می شوند، که قرار ذیل اند، جامعه مدنی که متوجه دنیاگرایی و حقوق بشر می باشد، روحانیون که می خواهند نقش با نفوذ شانرا در سیاست برقرار کنند، اعضای پارلمان که ارتباطات قومی و مبارزه یی با اعضای دیگر که دیدگاه مختلف در مورد عملکرد پارلمان دارند برقرار می نمایند، جامعه بین المللی در کابل و زنان شیعه.

یک آزمایش پروسه قانونگذاری در مورد قانون احوال شخصیه اهل تشیع بهنگام بعضی از قانون های دیگری بودند که در اجندای پارلمان راه یافتند. شاید چیزیکه بیشتر به این امر وابستگی دارد همانا مجموعه قانون خانواده گی سنی ها می باشد که توقع می رود در ماه های آینده به پارلمان ارایه گردد. این طرح قانون که از فقه سنی از مذهب حنفی کشیده شده است در قسمت تفسیر شریعت و همچنان به ادعا های مالکیت بالای حق داشتن تفسیر و وضع نمودن بنا بر قانون مقدس متمایل است تا رقابت کند. قانون دیگری که در جریان بوده و به مسایل پیشرو جندر در قانون سازی آورده می شود قانون کاهش خشونت علیه زنان است که توسط وزارت امور زنان و شرکای جامعه مدنی پیشنهاد شده است و شامل ماده های برجسته می باشد که خشونت علیه زنان را جرم می پندارد. در جولای ۲۰۰۹ این قانون به تعقیب بعضی از اصلاحات کوچک توسط شورای وزیران و رئیس جمهور کرسی تصویب گردید و منتظر رای از پارلمان بود.

یافته های این گزارش شامل نقاط قوی می باشد که می توان بر آن اضافه نمود مانند سهم آشکار در سیاست پارلمانی توسط اعضای پارلمان بدون در نظر داشت نظریات آنها در مورد قانون احوال شخصیه اهل تشیع و احترام آنها به مفکوره پارلمان به گونه محل تبادل نظر که در آن پالیسی مشروعیت حاصل می نماید می باشد. این مطالعه تغییرات را مشخص می نماید که به طرز العمل مدیریت پارلمان وارد شده می تواند که در قسمت اداره نمودن بعضی از نقاط ضعف پروسه قانون سازی کمک خواهد نمود. این تغییرات شامل کنترل بالای ثبت و ارزیابی بحث و رای دهی در پارلمان از طریق یک سیستم بهتر حساب و تشویق رسانه های ملی برای اینکه در قسمت ارزیابی و افشای بی نظمی ها در طرز العمل مناسب پیشگام باشند. دسترسی قوی جامعه مدنی به پروسه پالیسی از طریق ارتباطات سازنده میان اعضای پارلمان و جامعه مدنی باید بطور موقتی اولویت باشد با یک هدف دراز مدت که در محیط ایجاد شود که در آن اعضای پارلمان بیشتر به موکلین خویش پاسخگو باشند. این امر زمانی صورت خواهد گرفت که قانون محلی احزاب سیاسی ایدئولوژیک که به نفع مردم مستقر اند حمایت نمایند زمانیکه رای دهی انفرادی اعضای پارلمان مستند گردد و به دسترس عامه قرار گیرد، و زمانیکه اعضای پارلمان به دسترسی بیشتر به رای دهنده گان داشته باشند و با آنها ارتباطات با معنی داشته باشند.

## درس های آموخته شده، راه های پیشرو و نتیجه گیری

قانون احوال شخصیه اهل تشیع در ظرفیت، فرهنگ و پروسه ها در داخل شورای ملی افغانستان به گونه یک درپچه کار میکند. قانون احوال شخصیه اهل تشیع به سوی احصائیه متحول میان قدرمندان سنتی و فعالین جدید سیاسی که در تلاش داشتن نقش در پروسه پالیسی سازی اند و اغلب اجندا های رقابت کننده (و شبکه های متفاوت) را با خود می آورند. زمانیکه برخورد های ایدیولوژیک در قانون های که از ارزش های مذهبی حرف می زنند بروز می کنند، مالکیت بالای اصول مذهبی و بنابر این تسلط سیاسی و فرهنگی قدرتمندان سنتی مورد چالش قرار می گیرند. در سیاست افغانی این کار منجر گردیده تا موضوع اینکه کی منابع تفسیر شرعیت و متون مقدس و انتخاب فقه های مناسب را تصدیق می کند متنوع گردد. در قسمت قانون احوال شخصیه اهل تشیع، اعضای پارلمان زن، اعضای غیر مذهبی پارلمان و موسسات غیر مذهبی تفاسیر فرعی و علمای مختلف مذهبی را تلاش نموده و مالکیت بالای قانون سازی ملاها و روحانیون پارلمان را چالش نمودند. اگرچه، اختلافات رو به افزایش میان این بازیگران مختلف بدرستی اداره نگردیده و محل تبادل نظر برای بحث های سازنده تقریباً وجود ندارند، در حالیکه مباحث خصمانه بدون ترتیب در جبهات مختلف بروز می نمایند. در قسمت قانون احوال شخصیه اهل تشیع این جبهات شامل مظاهرات در سرک، صحن پارلمان و رسانه ها می گردد. در جامعه شیعه مذهب کمپ های ایدیولوژی مختلف بر ضد یکدیگر در واکنش به قانون احوال شخصیه اهل تشیع به مبارزه پرداختند، که نگرانی های از قبل موجود میان آنها یکدیگر می خواهند در سیاست افغانی بیشتر و مذهب موجود باشد و کسانیکه کمتر هواخواه این موضوع اند را فعال ساختند. درک گسترده که برای حمایت سیاسی در قضیه قانون احوال شخصیه اهل تشیع معاملات صورت گرفته نشانگر فرسایش در اعتماد ایست که ساختار های جدید سیاسی افغانستان شبکه های حمایتی و اتحاد که بنابر مذهب، قومیت و قبیله برقرار شده اند را تحت اختیار قرار داده نمی تواند. بنابر این خطری وجود دارد که سیاست مبنی بر مفکوره ها تدریجاً قادر نخواهد بود تا سیاست مبنی بر شناخت را تخریب کند، با نتایج اینکه چگونه و کلای پارلمان منافع رای دهنده گان را به صحنه پالیسی سازی انتقال می دهند. با اینحال شواهد وجود دارد که احترام به نقش پارلمان منجبت یک محل تبادل افکار جاییکه قوانین که اداره کننده اجتماع اند مشروع بوده و در انتخاب محسنی و پشتیبانان وی که در تلاش تقویت افکار شان از طریق این نهاد هستند نشان داده شد. هنوز تعادل اندکی در درجه نفوذ بالای پروسه قانونی قرار دارد، و در محیط که احزاب سیاسی تشویق می شوند تا براساس منافع عامه پایگاه ایجاد کنند و جاییکه اعضای پارلمان دسترسی اندکی به موکلین شان دارند گسترش عامه ناکافی می باشد. ارتقای ظرفیت جهت ساختن پالیسی خوب در افغانستان کار آسان نمی باشد زیرا که باید در محیطی صورت بگیرد که در آن خشونت، فقر و نفاق بسیار شدید بوده است. فرمول ساده که برای تایید نمودن عملکرد سیاسی در گذشته استفاده می شد بعد از این در چنین محیط که اساساً تغییر نموده بخوبی کار نمی کند.<sup>۱۹</sup> دانستن نقاط ضعف در این پروسه و همچنان فرصت ها برای اصلاح زمانی مهم است که بالای توسعه دموکراتیک در افغانستان سرمایه گذاری زیادی صورت گرفته است. قسمیکه یک پاسخ دهنده یاد آور شد که این سرمایه گذاری ها بیشتر از دالر ها بوده و در مورد سرمایه گذاری افغان ها برای حکومتداری خوب به خواست خود آنها بوده است. "هر انتخابات در این جا یک آمار مرگ و میر می داشته باشد. هر انتخابات در این ۲۵۰ میلیون دالر قیمت دارد. مردم میل ها تا به مراکز رای دهی پیاده می روند تا رای بدهند."<sup>۲۰</sup> مردم افغانستان بدین باورند که برای اینکه شیوه مختلف زنده گی مدنی را در یافت باید بسوی این نگرینست که پالیسی در کجا موفق می گردد، در کجا ناکام می شود و چه کاری را می توان در مورد آن انجام داد.

## پیشنهادات

نتیجه گیری های این مطالعه منجر به بعضی از پیشنهادات عمده گردید که از مصاحبه ها و تحلیل یافته بدست آمدند. این پیشنهادات در تلاش تقویت برخی از مکانیزم های مشخصی به منظور بیشتر مستحکم نمودن پروسه دموکراتیک و فرهنگ در

۱۹ ولیم مالی، نگاهی بسوی پروسه بُن در افغانستان: انتقال تحت تهدید، گوفری هایس و مارک سدر (اوتاوا): مرکز نو آوری حکومتداری بین المللی و چاپ پوهنتون ولفرد لوربر، ۲۰۰۷) صفحه ۴.

افغانستان می باشد. ما نیز پیشنهاداتی را که در مطالعات قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان<sup>۲۱</sup> بمیان آمدند و از این مطالعه نیز بروز نمودند تصریح می کنیم طور مثال باید سیستم رای واحد غیر قابل انتقال را مرور کرد و انکشاف حزب سیاسی و سیاست مبنی بر مفکوره را تقویت نمود.

تسهیل جمع گرایی (پلورالیزم) صلح آمیز در امورات فقه: کمیسیون امورات مذهبی یا وزارت حج و اوقاف باید فرصت های رسمی را برای بحث میان علمای اهل تشیع و تسنن و موسسات جامعه مدنی و مشخصاً با موسسات زنان فراهم سازد. این نوع فرصت ها باید شامل فوروم ها باشد جاییکه میان هر دو گروه بحث های سازنده صورت گیرد و به یکدیگر نقش های مشخصی مانند کار منحیث هیئت مشورتی یا هم تسهیل مشورت های اجتماعی پیشنهاد کنند. این فرصت ها باید عداوت را کاهش دهد و میان علمای و اجتماع مدنی دنیوی اعتماد برقرار کند.

اصلاح سیستم احزاب: با تقویت پیشنهادات قبلی<sup>۲۲</sup> قضیه قانون احوال شخصیه اهل تشیع نیز مشخص می نماید که دولت افغانستان باید جدا ارزش رای واحد غیر قابل انتقال را در انتخابات پارلمانی مدنظر گیرد و باید محیط قانونی را برای شکلی از نماینده گی نسبی یا سیستم لست احزاب را ایجاد کند. در سیستم رای واحد غیر قابل انتقال که در سه کشور دیگر جهان نیز استفاده شده، کاندید ها منحیث یک فرد رقابت می کنند نه منحیث عضو یک حزب که به منزوی ساختن احزاب سیاسی، آسیب پذیری در خرید رای و تقلب و پارلمان که از مردم نماینده گی نمی تواند در میان دیگر مسایل منتج می گردد.<sup>۲۳</sup> برطرف نمودن سیستم رای واحد غیر قابل انتقال و ایجاد سیستم حزبی قویتر خواست مردم را بهتر به پارلمان پیشکش می کند، احزاب سیاسی را تشویق می کند که برای منافع مردم پایگاه توسعه کنند و پارلمان را کمک نماید تا در قسمت حساسه نگهداشتن دولت کمک کند.<sup>۲۴</sup>

حمایت و کمک مالی به احزاب سیاسی: تمویل کننده گان بین المللی باید کمک های تخنیکی و بودجویی را به احزاب سیاسی فراهم نماید تا آنها تقویت شوند و حمایت گردند تا پایگاه های را انکشاف دهند تا به رای دهنده گان پاسخگو باشد و برای مسایل قانونی که بروز می شوند توانایی یابد. این پیشنهاد به کار قبلی این اداره که بسوی نیاز مبرم بودجه برای احزاب دموکراتیک اشاره می کند را انعکاس می دهد.<sup>۲۵</sup>

بهبود بخشیدن به طرزالعمل پارلمان: دفتر وزیر دولت در امور پارلمانی باید سیستم معینیت خویش را برای ضبط بحث و رای دهی در ولسی جرگه و مشرانو جرگه دوباره ارزیابی کند و سیستم رونویسی کمپیوتری را بکار برد، رونویس ها و اسناد ثبت شده تصامیم پارلمان باید در وبسایت آن موجود باشد و به دسترس رسانه ها و مردم قرار داده شود تا مردم آگاه گردند و در مورد تصامیم پارلمان و رای دهی تحقیق کنند.

تصحیح و تقویت قوانین پارلمان: دفتر وزیر دولت در امور پارلمانی باید قوانین مشخص را معرفی کند اینکه چگونه قانون های مختلف مدنظر گرفته می شوند اداره شوند تا از تقاطع و جلب بحث و رای دهی جلوگیری صورت گیرد؛ و طرزالعمل پارلمان را بیشتر اصلاح نماید تا ثابت شود که اعضای پارلمان چگونه رای می دهند. این کار با شفاف سازی رای دهی در شورای ملی به رای دهنده گان و رسانه ها بیشتر حساسدهی را فراهم می نماید.

حمایت نقش رسانه در قانون سازی درست: فرصت های آموزشی باید برای هر نوع رسانه های ملی که مشخصاً نقش رسانه ها

۲۱ مراجعه شود به انا لارسن، احزاب جدید دموکراتیک افغانستان: وسیله برای تنظیم دموکراسی سازی، (کابل، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۹) و انا وردزورت، موضوع مورد علاقه: جندر و سیاست حضور در ولسی جرگه افغانستان، (کابل واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ۲۰۰۷)

۲۲ لارسن، احزاب جدید دموکراتیک افغانستان.

۲۳ مراجعه شود به گروه بحران بین المللی، احزاب سیاسی در افغانستان، خلاصه آسیا شماره ۳۹ (برسلز و کابل گروه بحران بین المللی جون ۲۰۰۹)

۲۴ اشلی ایلپوت، گزینه های پالیسی برای دولت سازی در افغانستان، پوهنتون مطالعات بین المللی پال نیتز (اپریل ۲۰۰۹)

۲۵ لارسن احزاب جدید دموکراتیک افغانستان

را در دموکراسی سازی مورد هدف قرار می دهند، فراهم شوند و این آموزش ها با تقسیم وسایل و تخنیک ها برای ژورنالستان صورت گیرد تا از شخصیت ها و فعالیت های سیاسی در پارلمان سوال کنند بالای امور پارلمان نقش ارزیابی کننده را داشته باشند. آموزش ها باید شامل نیاز حساسیت و آگاهی باشند که چگونه محروم سازی در نتیجه شناخت در قانون سازی نقش ایفا می کند با در نظر داشت تاثیر قوانین بالای زنان و اقلیت و اشتراک این گروه مردم در قانون سازی.

ارتباطات رو به افزایش میان اعضای پارلمان و جامعه مدنی: شبکه های حامی زنان پارلمان باید به گونه یک نمونه برای سکتور های دیگر بررسی گردند یا موضوعات که شبکه های ارتباطی سازنده را میان موسسات جامعه مدنی و اعضای پارلمان تحریک می کند. شبکه های شبیه رami توان برای این موضوعات تشکیل داد (مانند رسانه ها، معارف، اصلاح قانونی، حقوق اقلیت) همچنان بر اساس حوزه انتخاباتی (طور مثال موسسات غیر دولتی و اعضای پارلمان که در عین ولایت کار میکنند، یا از حوزه های انتخاباتی معمول نماینده گی می کنند).

تشویق حسابدگی از جانب قانون سازان: موسسات بین المللی و تمویل کننده که بالای موضوعات انکشاف پارلمان کار می کنند باید بررسی کنند که عمل متقابل اعضای پارلمان با حوزه های دیگر انتخاباتی چگونه بهتر تسهیل شده می توانند و شیوه های واقعی را در میان بگذارد تا اعضای پارلمان نظریات حوزه انتخاباتی را در مورد قانونگذاری دریابند و مسایل مورد نگرانی شانرا با آنها بحث کنند.

نسخه چاپی این نشریه به طور رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان قابل دسترس است:

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان  
جاده گلروشی (نبش سرک ۲)  
شهر نو  
کابل، افغانستان  
تلفون: ۵۸۴ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+  
پست برقی: [areu@areu.org.af](mailto:areu@areu.org.af)  
وب سایت: [www.areu.org.af](http://www.areu.org.af)

